

Educational criteria regarding child's films and animations from the perspective of Islamic theory of action

Narges Sadat Sajjadih*

Seddigheh Soltaninejad**

Abstract

While there are many pieces of research about the technical dimensions of animation, its educational dimensions are not studied. The main research question of this paper is: what educational-psychological criteria should be considered in the child's media (animation) based on Islamic theory of action? The method approach used in this research is progressive inference, in which, regarding the educational goals and principles of the Islamic theory of action, the educational-psychological criteria of the film and the child's animation are implicitly extracted. We can classify the criteria into five categories: Criteria for physical and mental health, Criteria for familiarizing children with moral/religious values, Criteria for strengthening children's thinking, Criteria for enforcement of the dispositions of the choosing and responsibility in children, and Criteria for dynamist rational identities. Some of these criteria are as follows: avoiding the institutionalization of negative emotions in the audio-visual and narrative aspects of animation; avoiding negative themes and issues such as violence and sexual relations in narratives and visual effects, step-by-step and delayed encountering with dolorous realities in the narrative-visual structure of animation, explanatory attention to moral-religious values, avoidance of information saturation, attention to clarity and value embodiment in animation, designing real-life values in the narration, following the narrative structure of the animation from the causal and linear structures of narration, highlighting the choosing and decision making situations in animation, considering the process of the life in animation, and attempting to diversify the identities.

Key Words: animation,, educational criteria,, Islamic theory of action,, education,, child.

* Ph.D. in Philosophy of Education, Assistant Professor, University of Tehran, Iran (Responsible Author), sajjadih@ut.ac.ir.

** Master of History and Philosophy of Education, University of Tehran, Iran, s.soltanynejad@gmail.com

ملاحظات تربیتی ناظر بر فیلم و انیمیشن کودک از دیدگاه رویکرد اسلامی عمل

نرگس سادات سجادیه*

صدیقه سلطانی نژاد**

چکیده

دوران کودکی از مهمترین دوران رشد فرد است. در این دوران که اوج تأثیرپذیری کودک از محیط اطراف است، انیمیشن به لحاظ جذابیت و درهم آمیختن تصویر و حرکت توجه کودک را به خود جلب می‌کند و تأثیر زیادی بر روح و روان وی خواهد داشت. با این وجودابعاد تربیتی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که بر اساس رویکرد اسلامی عمل چه ملاحظات تربیتی-روانشناختی‌ای ناظر بر انیمیشن کودک می‌توان داشت؟ روش استفاده شده استنتاج پیش‌رونده است، بدین صورت که از اهداف و اصول تربیت مطرح شده در رویکرد اسلامی عمل، ملاحظات تربیتی-روانشناختی فیلم و انیمیشن کودک به شکل ضمنی و در ۵ دسته کلی استخراج شده است. برخی از این ملاحظات بدین قرارند: پرهیز از مضامین و موارد ضدتربیت چون خشونت [روابط جنسی و احساسات منفی، مواجهه گام‌به‌گام و تعویقی با واقعیت‌های حساسیت برانگیز، پرداخت تبیینی به ارزش‌ها و طرح آن‌ها در فضا سازی زندگی واقعی، پرهیز از اشباع اطلاعاتی، توجه به وضوح و تجسم ارزشی، تبعیت ساختار روایی از ساختارهای علی و خطی روایت، توجه به لایه‌مندی حوادث و موقعیت‌ها، برجسته‌سازی موقعیت‌های انتخاب و تصمیم، پرداخت فرایندی به زندگی و عملکرد شخصیت‌های اصلی و تلاش در جهت تنوع هویتی عدم برتری آن‌ها.

واژگان کلیدی: انیمیشن، ملاحظات تربیتی، رویکرد اسلامی عمل، تربیت، کودک

sajjadih@ut.ac.ir

* دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

** کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانش‌آموخته دانشگاه تهران، ایران s.soltanynejad@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

مقدمه

به نظر می‌رسد با وجود اهمیت رسانه در زندگی کودکان و نوجوانان^۱، هنوز در کشور ما تأثیر رسانه بر تربیت از تیررس نگاه منتقدانه تربیتی متخصصان تعلیم و تربیت دور مانده است. یکی از نشانه‌های این مغفول ماندن، وضعیت آشفته پخش و تولید انیمیشن در کشور است. از سویی، انیمیشن و سینمای کودک همچنان در سایه سینمای بزرگسال است و ملاحظات تربیتی ویژه‌ای در آن مد نظر قرار نمی‌گیرد و از سوی دیگر، شاهد ظهور اسنادی هستیم که خالی از مبانی و نگرش‌های منسجم تربیتی و بیشتر ناظر بر مصادیق هستند^۲. این در حالی است که حق دسترسی کودکان به اطلاعات مفید و با کیفیت بالا^۳ و حق پشتیبانی و حمایت^۴ از آن‌ها در برابر محتوای مضر و آسیب‌زننده رسانه‌ای، از حقوق رسانه‌ای کودکان و نوجوانان است (درخشانی و همکاران، ۱۳۸۸)، و نمی‌توان کودکان را تسلیم جریان پایش نشده رسانه‌ای کرد. از این رو، ضرورت تکوین نگرش تربیتی به انیمیشن در مقام رسانه‌ای تأثیرگذار در دوران کودکی، بیش از پیش احساس می‌شود.

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی تدوین ملاحظات تربیتی ناظر به محصولات رسانه‌ای کودکان است. در تدوین این ملاحظات، رویکرد اسلامی عمل در مقام چارچوب نظری مختار پذیرفته شده و تلاش می‌شود تا براساس آن، ملاحظاتی برای محصولات رسانه‌ای کودکان تدوین شود.

در سال‌های اخیر پژوهش‌های معدودی به محصولات رسانه‌ای کودکان پرداخته‌اند. برای نمونه منصوری (۱۳۹۴) فیلم‌های پرطرفدار کودک را از منظر اخلاقی و با اتکاء به رویکردهای تربیت اخلاقی به ویژه رویکرد تربیت فضیلت‌محور به شیوه تحلیل محتوا بررسی کرده است. همچنین نادری (۱۳۹۶) نیز تلاش کرده تا پیش‌فرض‌های حاکم بر برخی انیمیشن‌های پرطرفدار کودکان را

۱. برای نمونه «کودکان ابتدایی در سال متجاوز از ۱۴۶۰ ساعت، تلویزیون تماشا می‌کنند؛ این در حالی است که آنان کمتر از ۱۰۰۰ ساعت در سال تحت تعلیمات مدرسه قرار می‌گیرند» (باهر، ۱۳۹۰، ص ۴۲).

۲. برای نمونه «منظومه سیوررت» (۱۳۹۴) در مقام یکی از اسناد راهبردی صداوسیما با نقدهایی جدی مواجه است. این سند پس از رده‌بندی شش دوره سنی مختلف (۲ و ۳ سال، ۴ و ۵ سال، ۶ تا ۸ سال، ۹ تا ۱۱ سال، ۱۲ تا ۱۴ سال و ۱۵ تا ۱۷ سال) به توصیف ویژگی‌های فرد در این دوره‌های سنی پرداخته، و بر اساس آن باید و نبایدهایی برای ارتباط با فرد تعریف کرده است که انتظار دارد در برنامه‌سازی‌ها لحاظ شوند. از جمله نقدهای وارد به این منظومه می‌توان به اهداف کلی و اصول نامشخص و صورت‌گرایی اشاره کرد. همچنین «شیوه‌نامه ارزیابی برنامه‌های شبکه کودک سیما»^۲ (شریفی و علی‌پور، بی‌تا)، که به عنوان دستورالعملی برای ارزیابی تربیتی برنامه‌های کودک و انجام اصلاحات تربیتی پیش از پخش برنامه‌ها در شبکه کودک در حال استفاده است، ذیل عنوان سبک زندگی در این طرح مصادیقی ذکر کرده که نباید در داستان وجود داشته باشد برای مثال: «روایت فردی که جدای از خانواده زندگی می‌کند یا شخصی که قهرمان ورزش‌های خیلی خشن مانند بوکس و کشتی کج است و...». هیچ‌یک از این مصادیق، مینا و معیاری روشن به دست ارزیاب نمی‌دهد، بلکه تنها ارزیاب را کمک می‌کند که مصادیق مشابه را شناسایی کند اما اگر عمیق‌تر به این مساله توجه شود، دیگر لازم نیست تمام مصادیق برای ارزیاب ذکر شود، بلکه با در دست داشتن معیار می‌تواند مصادیق ذکر نشده را نیز تشخیص دهد....

۳. مهارت‌های زندگی، ارزش‌ها، باورهای دینی و ملی، سلامت و بهداشت روانی و جسمی و...
 ۴. حمایت از سلامت روانی و فیزیکی کودکان در برابر مطالب مضر رسانه‌ای از قبیل خشنی، رفتارهای ناپهنجار و ضد اجتماعی و...

استنباط نماید. از سوی دیگر باهنر و بلندیان (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی مطلوب برنامه‌های دینی کودکان (۷-۱۲ ساله) در تلویزیون بر اساس آرای کارشناسان و خبرگان» تلاش کرده‌اند تا نظر خبرگان را برای تدوین برنامه‌های رسانه‌ای دینی برای کودکان صورت‌بندی کنند. همچنین اینورث^۱ (۲۰۰۸) در مقاله «انیمیشن چگونه در یادگیری موثر است؟» از زاویه نگاه تکنولوژی آموزشی به انیمیشن پرداخته و سطوح تفسیری، ادراکی، عاطفی، استراتژیک، فراشناختی و تخیلی را برای یادگیری از طریق انیمیشن توضیح داده است. در عین حال، هنوز جای پژوهشی که از منظر تجویزی و فلسفی-تربیتی، ملاحظاتی را برای انیمیشن‌های کودکان تدوین و ارائه نماید، خالی است.

رویکرد روشی مورد استفاده در این پژوهش، استنتاج یا تحلیل پیش رونده خواهد بود. این رویکرد که توسط باقری و با الهام از الگوی فرانکنا طرح شده است. در این رویکرد، قیاس عملی با دو مقدمه هنجارین (مقدمه کبری) و توصیفی (مقدمه صغری) شکل می‌گیرد و نتیجه، گزاره‌ای هنجارین خواهد بود (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۸۹). در این پژوهش، مقدمه‌های هنجارین از اهداف تمهیدی دوره کودکی تامین می‌شوند و مقدمه‌های توصیفی از ماهیت انیمیشن و نسبت آن (وسیله یا مانع) با هدف مذکور فراهم می‌آیند و در نهایت، توصیه‌هایی تربیتی در مواجهه با انیمیشن و فیلم شکل خواهد گرفت که این دورا در مسیر تربیت قرار می‌دهد.

بدین ترتیب ابتدا به توضیح ماهیت دوران کودکی و اهداف و ملاحظات تمهیدی در این دوران می‌پردازیم و سپس با مبنا قرار دادن آنها، ملاحظاتی را برای انیمیشن بیان خواهیم کرد. این ملاحظات به گونه‌ای تدوین یافته‌اند که انیمیشن را در مسیر دستیابی به اهداف مقرر قرار دهند و ملاحظات مذکور را در آن بازترجمه کنند.

کودکی و تربیت در رویکرد اسلامی عمل

دوران کودکی از منظر رویکرد اسلامی عمل، دوران تکوین تدریجی توانمندی‌های شناختی، گرایشی و ارادی فرد است. امیال کودک در دوران کودکی بیشتر ناظر به امور محسوس هستند و قدرت زیادی دارند، از این‌رو از میان مبادی عمل، مبدأ گرایشی در وجود کودک، قوی‌تر است به گونه‌ای که قادر است شناخت وی را به حاشیه ببرد (سجادیه، مدنی‌فر و باقری، ۱۳۹۴، ص ۳۳). همچنین به دلیل عدم ظهور اراده در کودک در مقام یکی از مبادی زیرساز عمل، کودک صاحب عمل نیست و بنابراین از سوی مربی، عملی برای مبادله وجود ندارد. از این رو تربیت به معنای تعادل

1. Shaaron Ainsworth

ناهمتراز منتفی است و برای فعالیت‌های این دوره باید از واژه دیگری چون تمهید استفاده کرد.» (آزادمنش، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵).

عدم ظهور اراده در کودکی و ابتدای افعال کودک بر شناخت‌های محسوس و گرایش‌های متناظر با آن‌ها، باعث می‌شود تا تأثیرپذیری کودک از شرایط پیرامونی‌اش زیاد باشد و همین امر نقش شرایط محیطی را در شکل‌گیری شاکله و افعال کودک مهم می‌سازد. تأثیر انیمیشن و جلوه‌های صوتی-بصری محسوس آن بر وجود کودک بر اساس همین منطق توجیه می‌شود. در کنار همه محدودیت‌های ذکر شده برای دوران کودکی، وجود توان اندیشه‌ورزی در کودک غیرقابل انکار است. همان‌گونه که بیان شد، توانمندی‌های شناختی کودک در حال تکوین است. در عین حال، بهره‌مندی وی از قدرت خیال‌ورزی، باعث می‌شود تا بتوانیم به جای تکیه بر ضعف‌های شناختی وی، به این توانمندی‌ها چشم بدوزیم.

از منظری دیگر، مفهوم تربیت از زاویه نگاه رویکرد اسلامی عمل، مبتنی بر چهار مؤلفه ضروری تبیین، معیار، تحرک درونی و نقادی است (باقری، ۱۳۷۴) و لازم است تعاملی میان معلم و شاگرد صورت‌پذیرد تا این مؤلفه‌ها محقق شوند. در عین حال، در این دوره، باید در مسیر دستیابی به اهداف تربیت در دوران‌های بعد، آمادگی‌هایی را ایجاد کرد. در این راستا، اهداف واسطی تمهید قابل توجه هستند. این اهداف بدین قرارند (سجادیه، مدنی فر و باقری، ۱۳۹۴؛ آزادمنش، سجادیه و باقری، ۱۳۹۵؛ سجادیه، ۱۳۹۷): توجه به بهداشت، سلامت و قوت جسم و روان، آشنایی با شعائر دینی از طریق آمیختگی به زندگی واقعی کودک و مواجهه تبیین‌گرانه با آن، مواجهه و دست‌ورزی کودک با امیال درونی‌اش به جهت انجام مسئولیت‌های مشخص، آشنایی با پدیده‌های طبیعی از طریق مشاهده آن‌ها در ضمن جلب توجه کودک به علل غایی خلقت و افزایش قابلیت خیال‌ورزی نسبت به پدیده‌های طبیعی، آشنایی با پدیده‌های انسانی و برقراری ارتباط با آن‌ها، افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر گروهی در فرد و ایجاد شرایط برای درک زیبایی و گرایش به آن. همچنین رویکرد اسلامی عمل در دستیابی به اهداف تربیت و با نظر به واقعیت‌های انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی؛ اصولی را برای فعالیت‌های تربیتی طراحی کرده است (سجادیه، ۱۳۹۷). این اهداف و برخی از اصول و ملاحظات ناظر بر آنها در جدول زیر آمده‌اند. نظر به این اهداف و ملاحظات می‌تواند موجد ملاحظاتی در مواجهه با انیمیشن کودک باشد. مجموعه این اهداف و برخی اصول ناظر بر آنها در جدول زیر قابل ملاحظه‌اند.

ردیف	اهداف فعالیتهای تمهیدی در دوران کودکی	ملاحظات
۱	توجه به بهداشت، سلامت و قوت جسم و روان	ایمن سازی محیط مواجهه تبیینی با مساله سلامتی محافظت از سلامت روان
۲	آشنایی با پیام ها و شعائر دینی	توجه به بافت زندگی واقعی کودک مواجهه تبیین گرایانه با آموزه های دینی
۳	مواجهه و دست ورزی با امیال درونی	تمهید شرایط برای انجام مسئولیتهای مشخص ایجاد شرایط برای تمایل به مصادیق خیر مشخص بودن مصادیق
۴	آشنایی با پدیده های طبیعی	تقویت قابلیت مشاهده پدیده های طبیعی تقویت قابلیت اندیشه ورزی درباره علل وقایع طبیعی تقویت خیال ورزی درباره طبیعت
۵	مهارت تصرف مسئولانه در طبیعت	تقویت ساخت اشیای ساده تقویت نگرش مسئولانه نسبت به طبیعت
۶	آشنایی و ارتباط با پدیده های انسانی	افزایش قابلیت ارتباط با شواهد در دنیای انسانی افزایش قابلیت تحلیل پدیده های انسانی افزایش قابلیت خیال ورزی درباره پدیده های انسانی
۷	افزایش قابلیت مشارکت و مداخله موثر گروهی	افزایش قابلیت مشارکت و همکاری با گروه افزایش قابلیت استقلال از گروه و مقاومت در برابر آن افزایش قابلیت رهبری گروه
۸	درک زیبایی شناسانه از پدیده ها	توجه به بافت زندگی واقعی کودک

در هدف نخست، سلامت جسم و روان کودک مد نظر قرار گرفته است. از آنجا که دوره تمهید، زمینه ساز ورود سلامت به دوره تربیت است، لازم است از سلامت بسترهای اصلی تربیت و مولفه های سازنده آدمی، اطمینان حاصل کنیم. از این رو، یکی از ماموریت های تربیتی-تمهیدی مهم در این دوران، محافظت از سلامت جسم و روان و فراهم آوردن شرایطی پایدار و قابل قبول برای آغاز تربیت در درون پس از بلوغ است. این محافظت به دلیل ضعف های کودک در این سن، بیشتر بر دوش مربی است و از اهمیت مضاعف برخوردار است.

هدف دوم که معطوف به آشنایی کودکان است باید با ملاحظاتی صورت پذیرد تا مواجهه ای معنادار برای کودکان رقم زند و ضمن آغشتگی دینی-فرهنگی، راه را بر شبه تربیت باز نگذارد. از این رو، در نظر گرفتن زمینه زندگی واقعی کودک، پرهیز از اشباع و مواجهه تبیینی با این آموزه ها، ملاحظاتی هستند که باید در مسیر تحقق این هدف در نظر داشت.

هدف سوم که ناظر بر سامان بخشی به امیال و گرایش های کودک است نیز با راهبری مربی امکان پذیر است. از آنجا که وجود کودک در این سنین هنوز با اراده قرین نیست، امیال و گرایش ها در وی ظهور پرقوت و پررنگی دارند. در عین حال، لازم است همگام با قوت یافتن شناخت کودک

و افزایش توان وی، به تدریج او را به دست ورزی با امیالش سوق داد. این مواجهه با امیال، درسین کودکی بیشتر در موقعیت های طراحی شده توسط مربیان و با بکارگرفتن خود امیال امکان پذیر است. برای نمونه، مربوط ساختن برآورده ساختن یک میل (مثل بستنی خوردن) به امری دیگر (مثل مرتب کردن اتاق)، فاصله اندازی معقول و تدریجی بین بیان امیال و ارضای آنها و مواردی از این دست، راهبردهایی است که می تواند به تقویت دست ورزی کودک با امیالش کمک کند.

هدف چهارم که مقصودش آشنایی با پدیده های طبیعی و ایجاد زمینه برای اندیشه ورزی و کسب دانش و بینش نسبت به آن است، دو مسیر مهم ارتباط با شواهد طبیعی و قابلیت خیال ورزی درباره پدیده های طبیعی را پی می گیرد و بر بینش علت جویانه تاکید می ورزد. در هدف پنجم نیز علاوه بر توان تصرف در طبیعت و بکارگیری آن در رفع نیازهای کودک، ایجاد نگرش های اولیه مسئولانه نسبت به طبیعت مد نظر است.

هدف ششم که معطوف به شناخت پدیده های انسانی و ارتباط با آنهاست در سه مسیر توان درک شواهد انسانی، قابلیت تحلیل پدیده های انسانی و خیال ورزی درباره آنها را پی می گیرد. هدف هفتم معطوف به نحوه زیست اجتماعی کودکان است. در این هدف بر همراهی با جامعه و نیز مقاومت در برابر آن تاکید می شود. این همراهی یا مقاومت باید بر مدار حقیقت و متناسب با آن صورت پذیرد. البته با توجه به ویژگی پذیرندگی دوران کودکی، در این دوران، وزن بیشتر از آن، همراهی خواهد بود و «جامعه یاری حقیقت مدارانه» (سجادیه و محمدی، ۱۴۰۱) مد نظر خواهد بود. در هدف هشتم، ابعاد زیباشناختی کودک مد نظر قرار می گیرد و تربیت احساسات او محوریت می یابد. در این هدف نیز پرداختن به بافت زندگی واقعی کودک و توجه ویژه به زیبایی های محسوس و معیارهای آن ملاحظاتی است که باید مد نظر قرار گیرد. در تدوین ملاحظات ناظر بر انیمیشن کودک، علاوه بر اهداف واسطی دوران تمهید، اصول تربیت نیز به تناسب مد نظر قرار می گیرند.

ماهیت انیمیشن و ابعاد رسانه ای آن

انیمیشن در مقام نوعی رسانه، می تواند واجد کنشی ارتباطی باشد که دارای ابعادی پنج گانه است. این ابعاد پنج گانه که در مدل الگوی کنش ارتباطی^۱ لاسول^۲ (فیسک^۳، ۱۳۸۸)، تصریح شده

۱. الگوهای مختلفی برای توصیف فرایندهای ارتباطی وجود دارد، ما در این پژوهش به این دلیل سراغ الگوی لاسول رفتیم که بیشتر پژوهش های ارتباط جمعی از این الگو پیروی می کنند.

2. Harold Lasswell

3. John Fiske

عبارتند از: ارتباطگر (فرستنده)، پیام (محتوا)، کانال ارتباطی (رسانه)، مخاطب (گیرنده) و تأثیر (بازخورد). در این بخش تمرکز ما بر ماهیت کانال ارتباطی آن و ویژگی‌های آن است.

واژه انیمیشن در فرهنگ انگلیسی‌فارسی آریان‌پور، به جان‌بخشی، انگیزش و تحریک ترجمه شده است و فرهنگستان زبان و ادب فارسی واژه پویانمایی را به‌عنوان معادل فارسی برای animation برگزیده است. در موارد دیگر به فن بودن انیمیشن تأکید شده است. مثلاً فن عکاسی نقاشی‌های پی‌درپی یا موقعیت‌های عروسک و یا مدل برای ایجاد توهم حرکت در زمانی که به‌عنوان یک فیلم دنباله‌دار نشان داده می‌شود (کر^۱، ۲۰۲۳). «انیمیشن هنر ساخت اجسام بی‌جان است که به نظر متحرک می‌رسند، انیمیشن هنر تحرک آنی است که زمان طولانی قبل از فیلم بوده است. پویانمایی به معنای امروزی خود در صنعت سینما با پیدایش عکاسی و سینما آمیخته است. عنصر اصلی تصاویر متحرک، عامل «پایداری دید» است. یعنی اگر تصویر جسمی از مقابل دیدگان ما عبور کند، شبکه چشم قادر است این تصویر را تا حدی حفظ کند» (کر، ۲۰۲۳).

ساختار در انیمیشن مفهومی محوری است شامل شکل و محتوا که می‌تواند کلیت انیمیشن را تعریف کند. این دو مؤلفه در انیمیشن در جهت اهداف زیبایی‌شناختی سازمان‌یافته‌اند. در نتیجه، انیمیشن را اثری هنری، مجموعه‌ای کامل از نشانه‌ها یا ساختارهایی از نشانه‌ها قلمداد می‌شود که در خدمت هدف زیبایی‌شناختی ویژه‌ای باشند (صفورا و همکاران، ۱۳۹۳). این ساختارها عبارتند از ساختار بیانی، ساختار فیلمنامه‌ای یا داستانی، ساختار بصری، ساختار صوتی و در نهایت، ساختار تدوینی.

منظور از عناصر ساختار بیانی، ویژگی‌های خاصی است که در انیمیشن نهفته و آن را از سایر انواع قالب‌های رسانه‌ای مجزا می‌سازد. عناصر بیانی انیمیشن، مواردی چون متامورف^۲، ایجاز^۳، جاندارپنداری^۴، فابریکیشن^۵، نفوذ^۶، بیان نمادین^۷، توهم صوتی^۸، فانتزی^۹ و نامیرایی^{۱۰} است. در حالی که عناصر ساختار بیانی، بیشتر بر نحوه ظهور و حرکت مولفه‌های انیمیشن ناظر است، عناصر ساختار داستانی، بر متن روایتی معطوف‌اند که به تصویر کشیده می‌شود. البته عناصر

1. D. Kehr

۲. قابلیت اعمال تغییر از شکلی به شکل دیگر بدون استفاده از تدوین.

۳. بیشترین میزان القا در کمترین تصویر.

۴. اعمال خصلت‌های انسانی بر حیوانات، اشیاء و عناصر طبیعت.

۵. ساخت و ایجاد جهان خاص انیمیشنی.

۶. نفوذ به درون پدیده‌ها و به تصویر درآوردن درونیات روانی، فیزیکی و تکنیکی.

۷. استفاده از نشانه‌ها و نمادهای بصری و معانی مرتبط با آن‌ها.

۸. خلق صدای کاملاً ساختگی برای تصاویر متحرک‌سازی شده که به دلیل ساختگی بودن از سکوتی ذاتی برخوردارند.

۹. ترکیبی علی از تصاویر تخیلی شگفت آور.

۱۰. مرگ ناپذیر بودن در انیمیشن.

داستانی در انیمیشن، دارای رابطه‌ای تعاملی با عناصر بیانی است و فیلم‌نامه‌نویس در نگارش فیلم‌نامه باید از عناصر بیانی نیز کمک گیرد تا متن مناسب ژانر انیمیشن شود. در عین حال، این عناصر را می‌توان به پیروی از عناصر ساختاری روایت شامل مواردی چون موضوع^۱، شخصیت^۲، کنش^۳، موقعیت^۴، گره‌افکنی^۵، کشمکش، بحران، اوج و فرود^۶، گره‌گشایی^۷، تعلیق و غافلگیری دانست. این موارد در ادبیات داستانی نیز مد نظر قرار می‌گیرد. شخصیت‌ها از مهم‌ترین ابعاد داستان هستند که در واقع همان کسانی‌اند که روی پرده سینما توسط مخاطب دنبال می‌شوند. شخصیت‌ها باید قابل درک، باورپذیر، قابل تجسم و پویا باشند. فضاسازی داستان با گفت‌وگوی بین شخصیت‌ها انجام می‌شود که ضمن مشخص کردن زمان و مکان و ژانر داستان، ویژگی‌های افراد قصه را نیز مشخص می‌کند (گله‌باس^۸، ۱۳۹۴).

توالی تکوین و ظهور هر روایت معمولاً در انیمیشن‌های کودک، از ساختاری خطی پیروی می‌کند و شامل سه پرده ابتدایی، میانی و نهایی است. در پرده ابتدایی، هم‌زمان با معرفی موضوع، درون‌مایه و لحن داستان، شخصیت‌های اصلی داستان و هدف آن‌ها در قصه معرفی می‌شوند. در این مرحله است که موانع رسیدن به هدف هم دیده می‌شود. در پرده یا مرحله دوم یا میانی، بحران قصه در حال گسترش است و کشمکش‌ها رخ می‌دهد. این مرحله اوج درگیری و کنش میان شخصیت‌هاست. در مرحله نهایی، قهرمان به اوج می‌رسد، گره‌گشایی رخ می‌دهد و پایان داستان رقم می‌خورد.

ساختار دیگری که انیمیشن را قوام می‌بخشد، ساختار بصری است. عناصر ساختار بصری مواردی چون طراحی خط، شکل، نور، رنگ، بافت و ترکیب‌بندی مواد کار در انیمیشن هستند. همچنین ارتباط زمان‌بندی و حرکت نیز از مواردی است که در طراحی بصری اهمیت دارد. یک نوع از حرکت، حرکاتی است که برای بیان ویژگی‌های شخصیتی و فردی (حالت‌های بیانی چهره، اشاره‌ها، زبان، بدن) است؛ نوع دوم، حرکاتی است که توسط بازیگر انجام می‌شود و نوع سوم، حرکات مربوط به دوربین و زاویه دید خواهد بود.

۱. موضوع یا تم، خلاصه محتوای پیام انیمیشن است که می‌تواند با یک جمله ایجابی یا سلبی نیز بیان شود مثل «ظالم بد است».

۲. شخصیتی که اصلی یا قهرمان است.

۳. عمل داستانی‌ای که باعث گسترش و نمایاندن شخصیت می‌شود.

۴. مخمصه‌ای که کاراکترهای اصلی داستان در آن گرفتار هستند.

۵. وضعیتی که قهرمان را به عمل بر می‌انگیزد.

۶. نقطه عطف کنش داستان است که در آن قهرمان داستان عمل مهم را انجام می‌دهد.

۷. پس از اوج رخ می‌دهد.

ساختار دیگر قوام‌بخش انیمیشن، ساختار صوتی است. صدا مکمل تصویر برای فضا سازی است. طراحی خلاقانه صدا شدیداً در باورپذیری روایت‌های تصویری مؤثر است. این طراحی خلاقانه هم برای ایجاد صداهای لازم برای کنش واقع‌گرایانه و هم برای ایجاد صداهای فراواقع^۱ ضروری است. صدا می‌تواند در انیمیشن کارکردهای دیگری چون اطلاع‌رسانی و زیباشناختی هم داشته باشد. برخی از مهم‌ترین عناصر ساختار صوتی بدین قرارند: موسیقی، جلوه‌های صوتی و کلام. برای نمونه، موسیقی متن، در خدمت عناصر داستانی انیمیشن، فرازونشیب داستان و شخصیت‌ها را نشان می‌دهد و کلیت روایت را به پیش می‌برد. جلوه‌های صوتی در قالب صداهای واقعی و موجود در طبیعت (جریان آب، باد و...) و صداهای مربوط به شخصیت‌های انسانی، حیوانی و موجودات خیالی دسته‌بندی می‌شوند. این صداها در جهت باورپذیری فضاها و شخصیت‌های موجود در فیلم و نزدیک‌تر کردن این فضاها به واقعیت موجود در جهان فیلم بسیار مؤثرند. فرنیس^۲ می‌گوید: جلوه‌های صوتی در انیمیشن اغلب به صورت اغراق‌شده به کار می‌رود و هیچ تناسب واقع‌گرایانه‌ای بین عمل و صدایی که از آن تولید می‌شود وجود ندارد (فرنیس، ترجمه کشاورزی، ۱۳۸۳). کلام نیز به نوبه خویش، شامل دیالوگ، مونولوگ، صدای ذهنی و گفتار متن است. در نهایت، ساختار دیگر شکل دهنده انیمیشن، ساختار تدوین^۳ است. تدوین در نحوه روایت داستان انیمیشن و ریتم و تعلیق و غافل‌گیری بسیار مؤثر است.

ملاحظات رویکرد اسلامی عمل در انیمیشن کودکان

در این بخش تلاش می‌شود تا با الهام از رویکرد اسلامی عمل و جهت‌گیری‌های کلان تربیتی آن (اهداف و اصول تمهیدی) و نیز با نظر به عناصر ساختاری انیمیشن، ملاحظات تربیتی ناظر به انیمیشن‌های کودک مطرح شود. این ملاحظات را در دو قالب حدی و کیفی می‌توان دسته‌بندی کرد. در حالیکه برخی از این ملاحظات، خط قرمزهای تربیتی اند و در واقع حدود مجاز انیمیشن کودک را تعیین می‌کنند، برخی دیگر، حالتی ایجابی و کیفی دارند و در راستای غنابخشی تربیتی به انیمیشن کودکان مطرح می‌شوند.

از آنجا که انیمیشن و فیلم، مانند هر اثر روایی دیگر، حامل پیام‌های ضمنی مثبت و منفی است، اختصاصی به کودکی ندارند اما مطرح شدن ملاحظات انیمیشن در سنین کودکی به دلیل

۱. صداهایی که ممکن است ویژگی‌های انتزاعی‌تر داستان، از قبیل اشاره به حالات روانی، یا عاطفی یا عوامل ناشناخته را بیان کنند.

2. M. Furniss

۳. تدوین ارتباط دهنده و تداوم بخش تصاویر و نماهایی است که به شکل جداگانه و پراکنده در مرحله تولید به وجود آمده‌اند.

پذیرندگی، شکنندگی و اقتضائاتی است که دوران کودکی از آن برخوردار است. به سخن دیگر، کودک در دوران کودکی، واجد ویژگیهایی - از جمله ضعف در قدرت شناخت و نیز عدم ظهور اراده - است که امکان تعامل انتقادی کامل با محتواهای ارائه شده به خویش را ندارد و به این دلیل وظیفه ارزیابی انیمیشن و در نظر گرفتن ملاحظات تربیتی بر عهده مربیان اوست. در ادامه، با مروری بر اهداف فعالیتهای تربیتی در دوران تمهدی، با تمرکز بر اهدافی که در اتصال با انیمیشن می تواند ملاحظاتی مطرح سازد، به بیان ملاحظاتی پرداخته ایم.

۱. ملاحظات ناظر بر سلامت جسم و روان کودک

همانطور که در اهداف و اصول ذکر شد رویکرد انسان عامل، حقیقت وجود انسان را نفس می داند (باقری، ۱۳۹۷، ص ۱۸). باقری در تفسیر معنای نفس از سه معنا سخن می گوید. در معنای نخست، «نفس» معادل «خود» است^۱. در معنای دوم، «نفس» حاکی از شخص آدمی (یعنی مجموعه بدن و روحی که بدان تعلق گرفته) است^۲ و در معنای سوم، نفس یه «حقیقت وجود» تعبیر می شود که حتی در حالت تلاش بدن و مرگ آن نیز می تواند به حیات خود ادامه دهد^۳. این سه معنا البته در ارتباط با یکدیگر قرار دارند. با در نظر گرفتن معنای دوم می توان گفت تربیت جسمانی مقدمه ای برای تربیت غیر جسمانی کودک است. از سوی دیگر سلامت روان و تاثیر و اثر این دو بر یکدیگر نیز بسیار مهم و مورد توجه است. از این رو، در حفاظت از این سلامت، ملاحظات زیر معطوف به انیمیشن باید مد نظر قرار گیرد.

۱-۱. رعایت ملاحظات شنیداری کودک در ساختار صوتی انیمیشن

یکی از مواردی که در دوران کودکی از اهمیت برخوردار است مراقبت از پردازش شنوایی کودک و تکوین درست حافظه شنیداری وی است. پردازش شنوایی شامل چهار مهارت توانایی تمییز شنیداری اصوات جداگانه، توانایی تشخیص شکل صوت از زمینه آن، حافظه شنیداری و نیز حفظ توالی شنیداری است. تکوین و رشد این توانمندی، مستلزم تربیت شنیداری کودک است (قهرمان، و همکاران، ۲۰۰۶). پرهیز از درهم فرورفتگی صداهای مختلف، پرهیز از آمیختگی اصوات زمینه

۱. شاهد مهم این معنا این آیه است: «کتب ربکم علی نفسه الرحمه: پروردگارتان بر خود، رحمت نسبت به بندگان را واجب ساخته است» (انعام، ۵۴).

۲. شاهد مهم این معنا این آیه است: «من قتل نفسا بغير نفس او فسادا فی الارض فکانما قتل الناس جميعا: هر کس، شخصی را بکشد، بی آنکه عنوان قصاص در برابر قتل شخص دیگری را داشته باشد، یا بی آنکه او فساد و تباهی به بار آورده باشد، چنان است که گویی تمام مردم را کشته است» (مائده، ۳۲).

۳. شاهد مهم این معنا این آیه است: «... والاملانکه باسطوا ایدیهم اخرجوا انفسکم: ... جان (نفس) از پیکر تهی کنید» (انعام، ۹۳).

و اصوات هدف و نیز پرهیز از اکوی صداها، از مواردی است که باید در ساختار صوتی انیمیشن‌های کودک مدنظر قرار گیرد.

۱-۲. رعایت ملاحظات دیداری کودک در ساختار بصری-تدوینی انیمیشن

از سوی دیگر، کودکان در سنین تکوین ادراک و حافظه دیداری هستند. در ادراک دیداری، فرد ترتیب وقایع دیده شده را می‌تواند حفظ کند و به‌یاد آورد (اسلیگت، اسکالت و لامه، ۲۰۰۹). همچنین ادراک دیداری فرایند پاسخ‌دهی به داده‌های حسی و محرک‌های بینایی است (اشنک، ۲۰۰۵). تحقیقات زیادی نشان می‌دهد^۱ که این نوع از ادراک و حافظه در کودک در حال تکوین است. این تکوین ایجاب می‌کند تا ساختار بصری و نیز ساختار تدوین انیمیشن کودک، ملاحظاتی را همچون دقت در تمایز رنگ‌های زمینه از موارد هدف و سرعت مناسب تغییرات در نظر گیرد.

۱-۳. رعایت ملاحظات حسی-حرکتی کودک در زمان انیمیشن

یکی دیگر از نیازهای کودک نیاز وی به تحرک و شادابی است. از آنجا که کودکی، دوران نضج فیزیکی و روانی کودک است، این تحرک و شادابی اهمیت بیشتری می‌یابد (باقری، ۱۳۹۷، ص ۲۴۸). زیرمرحله تربیتی بازی در دوران تمهید نیز بر همین اساس اندیشیده شده است.^۲ از این رو می‌توان گفت، در راستای تحقق هدف نخست تربیت در دوران کودکی لازم است فرصت کافی برای تحرک فیزیکی کودک در اختیار باشد. از این منظر، انیمیشن‌ها نباید به گونه‌ای باشند که این تحرک را با وقفه مواجه سازند. همین نیاز باعث می‌شود، انیمیشن‌های اختصاص داده‌شده برای کودکان، ملاحظات زمانی ویژه‌ای را در نظر بگیرند. زمان‌های کوتاه‌تر باعث می‌شود کودک در فاصله میان انیمیشن‌ها و برنامه‌ها فرصت تحرک را داشته باشد و در تماشای انیمیشن، زمان زیادی را در حالت سکون و بی‌حرکی نباشد. زمان طولانی اثر می‌تواند نوعی از کسالت، خستگی و اعتیاد را در کودک ایجاد کند که باید از آن پرهیز کرد.

۱-۴. پرهیز از نهادینه‌سازی احساسات منفی در ساختارهای صوتی، تصویری، روایی، تدوین

یکی دیگر از مولفه‌های سلامت کودک مندرج در هدف نخست، سلامت روانی وی است (سجادیه، ۱۳۹۷). از آنجا که بنیاد وضعیت روانی فرد در دوران کودکی شکل می‌گیرند و

۱. از جمله این تحقیقات می‌توان به پژوهش اشمیتز و راشل (۲۰۱۷)، اسعدی، امیری و مولوی (۱۳۹۵)، فلاول (۱۹۹۲)، به نقل از مول و توماس، (۲۰۰۶) و پورحسین، غلامعلی لواسانی و انسان مهر (۱۳۹۷) اشاره کرد.
 ۲. از جمله در کافی نیز از قول امام صادق (علیه السلام) آمده است: «دع ابنک یلعب سبع سنین: فرزندت را واگذار تا به مدت هفت سال بازی کند».

تغییر و تحول آن‌ها در آینده ممکن است دشوار باشد، توجه به آن‌ها اهمیت مضاعف می‌یابد. از نظر عاطفی-هیجانی بسیاری از روان‌شناسان، دوران کودکی را دوران تکوین وضعیت روانی افراد تلقی می‌کنند. از جمله رویکرد روانکاوی فروید (به نقل از شولتز، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۴) و رویکرد دلبستگی بالبی^۱ (هلمز^۲، ۲۰۰۶)، دوران کودکی را از نظر روانی، دورانی مهم می‌دانند که حفاظت از سلامت روانی کودک در آن در سلامت روانی فرد در دوران‌های بعد از اهمیت زیادی برخوردار است.

از این رو، باید از نهادینه شدن احساسات منفی در ساخت روایت کودکان پرهیز کرد. از جمله احساساتی که باید از نهادینه ساختن آن‌ها در انیمیشن پرهیز کرد، احساس‌هایی چون ترس، اضطراب و ناامیدی است. توجه به این احساسات، مواردی را در ساختار بصری، صوتی، تدوین و نیز ساختار روایی انیمیشن مطرح می‌سازد. در درجه نخست، ساختار روایی انیمیشن کودک باید از داستان‌های ترسناک و ناامیدکننده و پوچ‌گرا بپرهیزد. همچنین قصه‌هایی که جهان را مکانی ناامن جلوه می‌دهند، می‌توانند احساس امنیت کودک را به خطر اندازند و وی را با اضطراب‌های نهادینه مواجه سازند. حضور صحنه‌های ترسناک، ناامیدکننده و ناامن در انیمیشن‌های کودک باید موردی و موقت باشد و کلیت داستان به سوی پایانی امن و خوش پیش رود. همچنین ساختار بصری فیلم باید با پرهیز از توالی‌های تاریک، ریتم سریع تصاویر و مواردی از این دست، وحشت را در انیمیشن کودک کش‌دار نسازد. از سوی دیگر، ساختار صوتی نیز باید با پرهیز از ایجاد صداهای خیلی بلند یا خیلی آهسته، تغییرات صدایی ناگهانی و موسیقی‌های رعب‌آور پرهیز نماید. در نهایت، ساختار تدوین نیز باید این موارد را رعایت کند.

۱-۵. پرهیز از مضامین و موارد ضد تربیت چون خشونت و روابط جنسی

محافظت از روان کودک در سنین کودکی به عنوان هدف نخست در نظام تمهیدی برگرفته از رویکرد اسلامی عمل و نیز نگاه این رویکرد به ماهیت دوران کودکی به عنوان دوران گذار به عاملیت، باعث می‌شود تا این رویکرد در دوگانه سانسور-واقعیت، طرفدار مواجهه گام‌به‌گام با واقعیت باشد (سجادیه و صادقی، ۱۴۰۰). این موضع، فعالیت‌های دوران کودکی را با اتخاذ دو راهبرد تعلیق و تعویق هدایت می‌کند. درحالی‌که راهبرد تعلیق، سخن از برخی واقعیت‌ها را به دلیل اثر ماندگار ضد تربیتی‌شان بطور کل معلق می‌سازد، راهبرد تعویق معتقد است سخن از برخی

1. J. Bowlby

2. J. Holmes

واقعیت‌ها به دلیل محدودیت‌های دوران کودکی - از جمله محدودیت‌های شناختی، هیجانی و ارادی - باید به تعویق انداخته شود.

بر این اساس، ملاحظه حاضر با تکیه بر راهبرد تعلیق و با تأکید بر اثرات ضد تربیتی، شناختی و هیجانی خشونت و روابط جنسی بر روح و روان کودکان، معتقد است این مؤلفه‌ها در انیمیشن کودک نباید حضور داشته باشد.^۱

این ملاحظه، توافق اسناد بین المللی را نیز با خود همواره دارد. مواردی از قبیل خشونت، روابط جنسی، مصرف مواد مخدر و البته موضوع برهنگی که با روابط جنسی مرتبط می‌شود از مواردی هستند که در اکثر اسناد مختلف خارجی و داخلی اعم از رده‌بندی‌های سنی یا ارزیابی‌های محتوایی هم آمده است و در آن‌ها بیان شده که صحنه‌های مروج خشونت و رفتارهای پرخطر، پورنوگرافی، پدوفیلی و همجنس‌گرایی خشونت جنسی، تهدید جنسی، تجاوز و روابطی از این دست، نه تنها برای گروه‌های زیر ۱۸ سال ممنوع است؛ بلکه نمایش این فیلم‌ها و انیمیشن‌ها در اکثر کشورها در محل‌های عمومی نیز ممنوع است و محل‌های ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است. علت محدودیت این موارد از یکسو سلامت روانی افراد است و از سوی دیگر حفظ سلامت اخلاقی جامعه.

در واقع، در این ملاحظه، اثرات ماندگار انیمیشن بر تکوین هویت کودک مد نظر قرار می‌گیرد و از همین رو، موارد ضد تربیت ممنوع می‌شود.

۱-۶. مواجهه‌های گام‌به‌گام و تعویقی با واقعیت‌های حساسیت برانگیز در جلوه‌های رایلی - بصری انیمیشن

روی دیگر سکه مواجهه گام‌به‌گام با واقعیت در دوران کودکی، تعویق برخی واقعیت‌هاست (سجادی و صادقی، ۱۴۰۰). واقعیت‌هایی چون مرگ، جنگ، بیماری، روابط جنسی، خشونت‌های پنهان و ... مواردی هستند که لازم است بر اساس رشد قدرت شناختی - هیجانی کودکان و به تدریج در معرض آن‌ها قرار گیرد. این راهبرد باعث می‌شود تا در انتخاب انیمیشن برای هر کودک، شرایط سنی - روانی وی و نیز نیازهای خاص او مد نظر قرار گیرد. طبعاً در برخی موقعیت‌ها، با کودکانی مواجه هستیم که در واقعیت زندگی روزمره خویش با این مسائل دست به‌گریبانند و لازم است با ابزارهای مختلف تربیتی چون کتاب قصه و انیمیشن به آن‌ها کمک کنیم تا با این مسائل

۱. روایت انیمیشن باید از نظر حضور مداوم این مؤلفه‌ها و جلوه‌های بصری و صحنه‌ها نیز باید از نظر حضور مقطعی بررسی شوند.

مواجهه‌هایی مناسب داشته باشند. با نظر به این واقعیت و نیز شرایط سنی-روانی و نیازها، در مرحله انتخاب می‌توان ملاحظه تعویق را مدنظر قرار داد و به تناسب مورد و موقعیت تصمیم گرفت.

۲. ملاحظات آشناسازی کودکان با ارزشهای اخلاقی/دینی

کودک در نگاه رویکرد اسلامی عمل، به دلیل وجود مؤلفه‌هایی چون فطرت، کرامت و گرایش به زیبایی دارای ماهیتی خیر و نیکو است (سجادیه و آزادمنش، ۱۳۹۵، ص ۲۱). اما این خیر اولیه تعیین‌کننده رسیدن قطعی او به خیر در بزرگسالی نیست و وضعیت ارزشی وجود او در سال‌های آتی وابسته به عمل اوست. از سوی دیگر، دوران تمهید همچون پلی است که کودک را به سطحی از توانمندی اندیشیدن به آموزه‌های دینی (سجادیه، باقری، مدنی‌فر، ۱۳۹۴، ص ۱۱) و نیز ارزش‌های انسانی-اخلاقی می‌رساند. بنابراین انتظار می‌رود طی این دوران کودک با سطحی ابتدایی از آموزه‌های دینی آشنا شده و در آستانه تکلیف بتواند انتخاب اولیه عقلانی و با پشتوانه‌ای را انجام دهد. از سوی دیگر لزوم حضور ارزش‌های انسانی/اخلاقی در زندگی رضایتمندانه، آشناسازی کودکان با این نوع ارزش‌ها را ضروری می‌سازد. نحوه این آشنایی و نیز موضع انیمیشن در مقابل این ارزش‌های دینی از جمله مواردی است که این هدف، ملاحظاتی در برابر آن قرار می‌دهد.

۲-۱. در نظر گرفتن ضمنی ارزش‌های اخلاقی/دینی

نوع مواجهه ارزشی با دوران کودکی، مواجهه‌ای نهادینه‌ساز است. به سخن دیگر، دوران کودکی، بیشتر دوران آغشتگی به ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی است. دو هدف مهم آشنایی با پیام‌ها و آموزه‌های دینی و نیز مواجهه و دست‌ورزی با امیال درونی ناظر به انتقال گفتگویی ارزشی است. در این انتقال گفتگویی، ملاحظاتی را باید در نظر داشت. یکی از ملاحظات اساسی، توجه به بافت زندگی واقعی کودک و تلاش برای طرح این ارزشها در بافت مذکور و به گونه‌ای معنادار است (سجادیه، ۱۳۹۷). اگر این ارزشهای اخلاقی-دینی، با این بافت پیوند معنادار برقرار نکنند، تنها به صورت اموری حفظی و به صورتی طوطی وار حافظه کودکان را اشغال خواهند کرد و از فضای زبانی به فضاهای دیگر انتشار نخواهند یافت. از این‌رو، ارزش‌های دینی در مقام ارزش‌هایی اجتماعی-فرهنگی، باید به‌طور ضمنی و به‌گونه‌ای آمیخته با زندگی در انیمیشن‌ها در نظر گرفته شوند (سجادیه، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر، زیر سؤال بردن رادیکال این ارزش‌ها می‌تواند تکوین هویت فرهنگی کودک را با چالش مواجه سازد (محمدی، ۱۳۹۶). از آنجا که دوران کودکی، به دوران جامعه‌پذیری تعبیر شده،

بیشتر آغشتگی به ارزشها و همراهی با آنها مد نظر است. البته این آغشتگی و همراهی باید همراه با تبیین باشد.

از این رو، به چالش کشیدن این ارزشها و زیرسوال بردن جدی آنها در انیمیشن کودک، از جمله خط قرمزهای تربیتی است. ضمنی بودن پرداخت به ارزشهای اخلاقی/دینی، در نظر گرفتن تدریج در این پرداخت و نیز تلاش برای پرهیز از اشباع اطلاعاتی، ملاحظات مهمی هستند که در نحوه درج ارزشهای اخلاقی/دینی در انیمیشنهای کودک باید مد نظر قرار گیرند.

۲-۲. پرداخت تبیینی به ارزشهای اخلاقی/دینی

اذعان به قدرت اندیشه‌ورزی کودک در رویکرد اسلامی عمل، به رسمیت شناختن حقیقت‌جویی او در قالب پرسش‌گری و پذیرش این نکته توسط این دیدگاه که گرایش‌ها، با شناخت‌ها، آغشتگی دارند، ما را بر آن می‌دارد تا ارزشهای اخلاقی/دینی را به گونه‌ای تبیینی برای کودک طرح کنیم (سجادیه، ۱۳۹۷). تبیین صورت گرفته، مطلب مورد نظر را به گونه‌ای مستدل و معقول در ذهن کودک نمایان می‌کند و همین امر نه تنها بر پایداری آموزه‌ی مورد نظر مؤثر است، به ارتقای آن توسط وی در سالهای آینده نیز کمک می‌کند. همچنین، تبیین صورت گرفته باید در حیطه پرسشهای کودک و متناسب با سطح درک وی باشد. در عین حال، باید توجه داشت که تبیین‌ها در عین تناسب با سن کودک، باید معقول و واقعی باشند.

از سوی دیگر، یکی از تمایزهای مهم تربیت با شبه‌تربیت، حضور مؤلفه تبیین در تربیت است (باقری، ۱۳۸۴). بنابراین هرگونه تلاش تربیتی باید در بستری تبیینی و با پشتوانه عقلانی صورت پذیرد. فراهم نکردن این زمینه و عدم توجه به این پشتوانه، نه ممکن است و نه مطلوب. زیرا از یک سو، کودک یا نوجوان در دنیای خود با هزاران چالش و پرسش درونی و بیرونی در مورد موضوعات مختلف از جمله ارزشهای انسانی/دینی مواجه است که بدون در نظر گرفتن آنها، ارائه ارزشهای دینی وجهی صورتی خواهد یافت. از سوی دیگر، پذیرش غیرتبیینی ارزشها، آنها را در معرض سستی و رنگ‌باختن آتی آنها در پرتوی پرسش‌ها و چالش‌های شناختی دوران نوجوانی و بلوغ قرار خواهد داد. از این رو، لازم است نحوه ارائه ارزشهای انسانی/دینی در انیمیشن‌های کودک، قالبی تبیینی و غیرشعاری داشته باشد و منطق آن در انیمیشن به تصویر درآید.

در عین حال، باید در نظر داشت، تدریجی بودن تکوین ساخت شناختی کودک، ما را بر آن می‌دارد تا ملاحظاتی را در این تبیین مد نظر قرار دهیم. آغاز نمودن از سطح انضمامی و حرکت تدریجی به سمت سطح انتزاعی، توجه به پرسشهای کودک و چالش‌های او در تبیین، توجه به

بافت زندگی واقعی کودک و تدوین تبیین های معنادار برای وی از جمله این ملاحظات هستند (سجادیه، ۱۳۹۷). ساخت ساختار روایی و گنجانده شدن گفتگو یا واگویه های فردی، لحظات تردید و مکث در کنش ها و نیز تنظیم بستری برای معنادار شدن ارزش ها، کمکی است که ساختار روایی انیمیشن به طرح تبیینی ارزش ها خواهد کرد. در ادامه ساختارهای صوتی-بصری-تدوینی نیز باید در خدمت این ساختار مستدل باشند و عناصری چون تصادف و ناخودآگاهی را در تبیین ارزش ها اساسی نسازند.

۲-۳. توجه به وضوح و تجسم ارزشی در انیمیشن

یکی دیگر از ملاحظات دوران کودکی، محدودیت های شناختی است. همان گونه که پیش از این نیز بیان شد، تکوین نظام شناختی افراد تا ابتدای بلوغ ادامه می یابد. از این رو، نظام شناختی کودکان و حتی نوجوانانی که در دوره نخست نوجوانی به سر می برند، بیشتر محسوس و متجسم است. رویکرد اسلامی عمل با پذیرش این ویژگی از دوران کودکی، بر آشنایی های ملموس با ارزشهای اخلاقی تاکید می ورزد (آزادمنش، سجادیه و باقری، ۱۳۹۵ ب).

بر این اساس می توان گفت کودکان توان درک شخصیت های خاکستری و چندبعدی و چندارزشی را کمتر دارند. یکی از یافته های منصوری (۱۳۹۴) نیز لزوم درک سیاه و سفید کودکان از شخصیت های انیمیشن و فیلم بوده است. بر این اساس، انیمیشن کودک باید از سویی در ساختار روایی خود، به وضوح ارزشی و مجزای بودن شخصیت ها توجه کند و از سوی دیگر در ساختار بصری-صوتی خود نشانه های واضحی برای تشخیص شخصیت های خوب و بد قصه قرار دهد تا با این محدودیت شناختی کودکان متناسب شود.

۲-۴. طرح ارزش ها در فضاسازی های زندگی واقعی در انیمیشن

تناظر دانش و شناخت کودک با امیال و نیازهای وی در رویکرد اسلامی عمل پذیرفته شده است (آزادمنش، سجادیه و باقری، ۱۳۹۵). بر این اساس، تا چیزی به دنیای کودکان وارد نشود و با زندگی و امیال و نیازهای آن ها گره نخورد، برای آن ها معنادار نخواهد بود و با انگیزه های آنها اتصال نخواهد یافت. این تناظر ما را بر آن می دارد تا در طرح ارزش های اخلاقی/دینی در انیمیشن، دنیای کودک و اقتضائات زندگی وی را در نظر بگیریم. بنابراین لازم است ساختار روایی انیمیشن، ارزش های اخلاقی/دینی مورد نظر را در خود هضم کرده و به گونه ای آمیخته با روایت به منصفه ظهور برساند.

۲-۵. پرهیز از حضور تجسم‌های خوشایند ضدارزشی در انیمیشن

همانگونه که بیان شد یکی دیگر از ملاحظات برآمده از هدف تربیت اخلاقی-ارزشی در دوران کودکی بر اساس رویکرد اسلامی عمل، زمینه‌سازی برای افزایش تمایل به مصادیق خیر است. در این میان، نوع مواجهه کودک با ارزش‌ها در مقایسه با نوجوانی و جوانی متفاوت است و این تفاوت را باید مد نظر قرار داد.

کودک در این دوران، در مرحله آشنایی اولیه و آغشتگی به ارزش‌های عرفی است. این آشنایی اولیه با نام جامعه‌پذیری^۱ شناخته می‌شود و مورد تاکید روانشناسان مختلف قرار دارد. این تاکید تا بداندجاست که رورتی^۲ (۱۹۸۹)، دوره تربیت را به دو دوره پیش و پس از دانشگاه تقسیم می‌کند و دوره پیش از دانشگاه را دوره معطوف به جامعه‌پذیری می‌داند. از منظر وی، یکی از اصول تربیتی مهم در این دوره هم‌گرایی است. مواجهه ناگهانی با ضدارزش‌های عرفی، این هم‌گرایی را مضمحل می‌سازد و نوعی اغتشاش و آشفتگی را در روند نهادینه‌سازی و درونی‌سازی ارزش‌ها ایجاد خواهد کرد (رورتی، ۱۹۸۹، ص ۱۷۱). به سخن دیگر، از آنجا که کودک در دوران کودکی، پذیرندگی قوی تری دارد و قادر نیست به صورت کاملاً فعال با محتوای پیرامونش مواجه شود، نیاز است انسجام محتواهای مختلف توسط مربیان مد نظر قرار گیرد تا از ظهور نابسامانی ارزشی در درون کودک، پیشگیری شود. البته هر چه توان شناختی کودک افزایش می‌یابد، دوز مواجهه انتقادی با امور و ارزش‌های مختلف را می‌توان بالا برد و گفتگوهای تبیینی عمیق تری را سامان دهی کرد. از این رو، حضور تجسم‌های صریح ضدارزش‌ها در انیمیشن کودک نمی‌تواند با اصول تربیت در این دوره هم‌خوانی داشته باشد. بنابراین انیمیشن کودک نباید ارزش‌های اخلاقی-اجتماعی را وارونه نشان دهد.

۳. ملاحظات مربوط به تقویت اندیشه ورزی کودکان

همانگونه که پیش از این ملاحظه شد، یکی از اهداف تمهید در دوران کودکی، تقویت بنیادهای اندیشه‌ورزی در کودکان است. رویکرد اسلامی عمل با پذیرش توان اولیه اندیشه‌ورزی در کودکان، تلاش می‌کند تا در طی دوران تمهید این توان را حفظ کند و پرورش دهد. در این میان، سه توانمندی شناختی در کنار یک توانمندی گرایشی باید مد نظر قرار گیرد. مهمترین توانمندی‌های شناختی مورد نیاز در فرایند تفکر، ارتباط با واقعیت، خیال‌ورزی و تحلیل و ارزیابی (در مقام مؤلفه اتصال‌گر این دو بخش) هستند. این توانمندی‌ها در کنار حقیقت‌جویی و حق‌پذیری می‌توانند

1. Socialization

2. R. Rorty

جریان اندیشه‌ورزی را به ساحل سلامت هدایت کنند. در ادامه به الزامات و ملاحظات خواهیم پرداخت که در ساختارهای مختلف انیمیشن می‌تواند این توانمندی‌ها را تقویت کند.

۳-۱. تبعیت ساختار روایی انیمیشن از ساختارهای علی و خطی روایت

یکی از نشانه‌های توجه انیمیشن به تفکر و اندیشه‌ورزی، برخورداری ساختار روایی آن از علیت لازم است. علیت در روایت به معنای ارتباط علی حوادث با یکدیگر و پاسخ گرفتن پرسش‌ها و انتظارات در طول روایت است (ابوت^۱، ترجمه پورآذر و اشرفی، ۱۳۹۸). رعایت علیت روایی نوعی از اتصال تبیینی و عقلانی را میان حوادث برقرار می‌سازد و فهم توالی حوادث را برای مخاطب که در اینجا کودک است تسهیل می‌کند.

از سوی دیگر، در نظر گرفتن محدودیت‌های شناختی کودک باعث می‌شود تا ساختار روایی انیمیشن کودک به صورت خطی باشد. زیرا ساختارهای پیچیده‌تر برای کودک قابل فهم نخواهد بود. این دو ملاحظه در ساختار روایی انیمیشن کودک، آن را برای کودک قابل فهم و پی‌جویی خواهد ساخت.

۳-۲. توجه به لایه مندی حوادث و موقعیتها در انیمیشن

از آنجا که هدف اندیشه‌ورزی در پدیده‌های انسانی مد نظر رویکرد اسلامی عمل قرار دارد، لازم است در مواجهه با انیمیشن نیز به آن توجه کرد. در این میان، یکی از ابعاد اندیشه‌ورزی، قابلیت تفسیر موقعیت‌ها، حوادث و شخصیت‌هاست. این لایه‌مندی تفسیری ابتدا در ساختار روایی انیمیشن لحاظ می‌شود و سپس با انواع تاثیرات بصری، صوتی و تدوینی حمایت می‌گردد. وجود موقعیت‌هایی چندگانه و قابل تفسیر در انیمیشن کودک، به تدریج می‌تواند ذوابعاد بودن واقعیت و تفکر پیچیده و چندبعدی را برای وی به نمایش گذارد. ساختارهای صوتی و بصری می‌تواند در تمایز بخشیدن به این ابعاد و لایه‌ها به ساختار روایی کمک کنند و انیمیشن را از نظر معنایی لایه‌مندانه به پیش برند. باید توجه داشت که این ذوابعاد بودن، پیچیدگی و قابلیت تفسیر به صورت تدریجی در انیمیشن کودک قابل طرح است. بر این اساس باید از لایه‌مندی‌های سبک و ساده به سوی تفسیر مندی‌های پیچیده‌تر حرکت کرد.

۳-۳. وجود موقعیت‌هایی برای حرکت میان شخصیت‌های روایت انیمیشن

از سوی دیگر، یکی دیگر از ابعاد مهم اندیشه ورزشی، تخیل و خیال‌ورزی است. این بعد که مورد توجه رویکرد اسلامی عمل نیز قرار گرفته، نه تنها از ارزش معرفتی برخوردار است بلکه زمینه ساز تحقق اهداف دیگر از جمله تربیت اخلاقی نیز خواهد بود. زیرا یکی از ابعاد مهم خیال‌ورزی که در کنش اخلاقی ایفای نقش می‌کند، تخیل اخلاقی است. تخیل اخلاقی به دو معنای توان درک گزینه‌های بدیل در عملکرد در یک موقعیت و نیز توان درک احساس طرف مقابل است (سجادیه، ۱۳۹۴). ابزار انیمیشن به دلیل توان بازنمایی بالنسبه واقعی از روابط و شخصیت‌ها، از ظرفیت مناسبی برای تمرین تخیل اخلاقی برخوردار است. برای ایجاد موقعیت‌های مناسب برای تمرین تخیل اخلاقی، لازم است حوادث، رویدادها و مسائل از سوی شخصیت‌های مختلف درگیر در آن‌ها نگریسته شود. این نگاه چندگانه و رفت و آمد میان شخصیت‌ها و نگاه‌ها، می‌تواند فرصتی را برای تکوین تخیل اخلاقی در کودکان فراهم آورد و آن‌ها را از نگاه‌های تک‌بعدی به مسائل برهاند.

۳-۴. خلق موقعیت‌هایی خیالی متمایز از واقعیت یا مرتبط با آن در انیمیشن

همان‌گونه که بیان شد یکی از مؤلفه‌های اندیشه ورزشی، خیال‌ورزی است. در این میان، رسانه انیمیشن با توجه به ساختارهای بصری، صوتی و تدوین، امکان بیشتری برای حرکت بر فراز واقعیت را دارد و از همین رو می‌تواند بستری برای خیال‌ورزی باشد. در عین حال، دیدگاه معرفتی رویکرد اسلامی عمل یعنی واقع‌گرایی سازه‌گرایی، خیال‌ورزی بی‌حد و مرز و بریده از واقعیت را نمی‌پذیرد بلکه معتقد است این خیال‌ورزی به ویژه در دوران کودکی نباید منجر به توهم فارغ از واقعیت باشد (توکلی، ۱۳۹۲).

از این رو، باید توجه داشت که موجودات خیالی و رویدادهای خیالی موجود در انیمیشن باید یا ردپایی در واقعیت داشته باشند یا دست کم متمایز از واقعیت باشند و به گونه‌ای نباشند که کودکان آن‌ها را واقع‌پنداری کنند. این واقع‌پنداری نوعی از آمادگی برای پذیرش شبه علم و خرافه را در کودکان فراهم می‌سازد. در مقابل، تمایز خیال از واقعیت، جایگاه واقعیت و شواهد برآمده از آن را در ذهن کودک تحکیم خواهد بخشید و آن را به عنوان داور تحلیل‌ها و تبیین‌ها باقی خواهد نهاد.

۳-۵. ایجاد موقعیت‌های مکث در انیمیشن برای حضور خودآگاهی کودک

از سوی دیگر، تقویت اندیشه ورزشی و تأمل، نیازمند فرصت‌هایی برای خلوت با خویش است. این خلوت در خلال انیمیشن در لحظات مکث قابل تحقق است. از این رو همه ساختارهای

سازنده انیمیشن باید در خدمت خلق این لحظات مکث مناسب قرار گیرند. ساختار روایی در حفره‌هایی که در میان رفت و آمد میان شخصیت‌ها و حوادث به وجود می‌آید می‌تواند این مکث را داشته باشد. همچنین ساختار صوتی می‌تواند با موسیقی‌های ملایم و خاص، این مکث را مناسب تأمل گرداند. از سوی دیگر ساختار بصری با صحنه‌های دارای عمق و نیز صحنه‌های کم‌تحرک می‌تواند فضا را برای تأمل کودکان فراهم آورد و ساختار تدوین نیز می‌تواند با برش‌های مناسب و سرعت مناسب تغییر تصاویر از این تلاش برای خلق لحظات مکث و تأمل حمایت کند.

۴. ملاحظات مربوط به انتخاب‌گری و نهادینگی مسئولیت در کودک

یکی دیگر از ملاحظاتی که در انیمیشن کودک باید مدنظر قرار گیرد، ملاحظات ناظر بر انتخاب‌گری و مسئولیت در کودک است. همانگونه که ملاحظه شد از میان اهداف تربیت، هدف دوم و هدف هفتم، با این امور قرابت بیشتری دارند. هدف دوم ناظر بر انتخاب‌گری کودک در میان امیالش و زمینه‌سازی برای ظهور اراده‌ای قوی در اوست و در هدف سوم، این انتخاب‌گری و آزادی، در قالب مسئولیت به ظهور می‌رسد.

اهمیت ایجاد احساس مسئولیت در کودکی و نهادینه شدن آن در شخصیت کودک از این لحاظ است که او در این سنین درگیر تراحم امیالش است. برای اینکه کودک به تدریج بتواند بر امیالش مسلط شود باید احساس مسئولیت را در او ایجاد کرد. برای تحقق این هدف می‌توان از دو روش در تربیت بهره‌برد: ۱. الگو دهی ۲. مواجهه با نتایج اعمال (باقری، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰-۱۵۳). بر این اساس، ملاحظات پیش‌رو را می‌توان برای انیمیشن در نظر گرفت.

۴-۱. برجسته‌سازی موقعیت‌های انتخاب و تصمیم در انیمیشن

یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند فرایند انتخاب‌گری کودک را مدنظر قرار دهد و فرایند تصمیم را برای وی مهم سازد، تمرکز بر لحظه‌های انتخاب و تصمیم است. در این حالت، کودک با تردیدهای هنگام تصمیم‌گیری، مؤلفه‌های مختلف دخیل در تصمیم‌گیری و شرایط متفاوتی که در یک تصمیم دخالت دارند، آشنا می‌شود و می‌تواند به نحوی این فرایند و موقعیت را به صورت مجازی طی کند. انیمیشن به دلیل برخورداری از ویژگی ارتباط عمیق با کودک و زنده کردن موقعیت‌های زندگی، از این امکان برخوردار است که این آشنایی را از وجه صرفاً شناختی خارج سازد و به صورت یک تجربه نزدیک به واقعیت با همه دلهره‌ها، شادی‌ها و ناامیدی‌های واقعی، برای کودک مطرح سازد؛ تجربه‌ای که کودک به صورت نیابتی آن را تجربه می‌کند و گویی آن را زیست می‌کند.

برای تحقق این ملاحظه ایجابی، لازم است ساختار روایی از تعلیق بهره بیشتری ببرد و زمان‌هایی را برای طرح این تردیدها و چه‌کنم چه‌کنم‌ها در نظر گیرد. ساختارهای دیگر نیز می‌توانند این موقعیت را برجسته نمایند.

۴-۲. پرداخت فرایندی به زندگی و عملکرد شخصیت‌های اصلی انیمیشن

یکی دیگر از راه‌هایی که می‌تواند هدف انتخاب‌گری و مسئولیت را در کودک نهادینه سازد، مرور فرایند زندگی است. در این میان انیمیشن به دلیل ویژگی‌هایی که دارد می‌تواند به مرور فرایند زندگی و عملکرد شخصیت‌ها پردازد و از این طریق، بار دیگر انتخاب‌گری و پیامدهای آن را در عرصه کلی زندگی نشان دهد. به‌هم‌پیوستگی رویدادها و ساختار علی روایت در ساختار داستانی انیمیشن می‌تواند ارتباط میان تصمیم‌ها و پیامدها را برجسته سازد و پیامدهای عملکرد شخصیت‌های قصه را به نمایش گذارد.

۵. ملاحظات مربوط به پویایی عقلانی هویت

ملاحظه اهدافی چون اندیشه ورزی در رویکرد اسلامی عمل در کنار ملاحظه روانشناختی تکوین هویت در دوران کودکی، ما را بر آن می‌دارد تا به نوعی از پویایی عقلانی هویت در دوران کودکی بیندیشیم. بر اساس این فرایند، رویکرد اسلامی عمل در سنین کودکی، در عین حال که بر تکوین هویت و شاکله کودک تأکید دارد و با نگاهی لایه مند به انواع هویت، تلاش می‌کند تا زمینه‌سازی برای آغشتگی به این هویت‌های اجتماعی (هویت محلی، هویت ملی، هویت دینی، هویت منطقه‌ای و هویت جهانی) برای کودک صورت پذیرد، مسیر را برای نقد این هویت‌ها و مولفه‌هایشان می‌گشاید (سجادی و صادقی، ۱۴۰۰). ملاحظه این راهبرد ما را بر آن می‌دارد تا در مواجهه با انیمیشن نیز بر ابعادی تأکید کنیم.

۵-۱. تلاش در جهت نمایش فرایند تحول هویت در شخصیت‌های اصلی انیمیشن

یکی از اصول اساسی شکل‌گیری هویت در کودکان، توجه به تحولی بودن هویت فردی و انواع هویت‌های اجتماعی است. انیمیشن در این میان، یکی از ابزارهایی است که به دلیل برخورداری از ساختارهای روایی-بصری-صوتی می‌تواند کل جریان زندگی یک شخصیت را به تصویر کشد و کودک را با این کلیت و فرازونشیب‌های آن مواجه سازد. ملاحظه این فرازونشیب‌ها و افت‌وخیزها، می‌تواند به طور ضمنی حامل این پیام برای کودک باشد که افراد هویتی صلب و غیرقابل تغییر ندارند.

وجود لحظاتی در فرایند که در آنها تغییر و تحولی رخ می دهد و با تصمیم شخصیت داستان، مسیری تغییر داده می شود، در این موضوع از اهمیت برخوردار است. نحوه اتخاذ تصمیم در لحظات تغییر و تحول نیز می تواند عقلانی بودن یا نبودن را نشان دهد.

۵-۲. تلاش در جهت نمایش تنوع هویتی فارغ از برتری در شخصیت های انیمیشن

یکی دیگر از ابعاد هویت، چندگانگی هویت است. منظور از چندگانگی هویت، انواع هویت های اجتماعی است که افراد به جهت ملیت، قوم، رنگ پوست و ... از آن برخوردارند. این موارد تفاوت هایی را در افراد ایجاد می کند که باید به صورت تفاوت و نه فخر و برتری نگریسته شود. همراهی با روایت انیمیشن و ورود به زندگی های شخصیت های داستان در انیمیشن، این فرصت را فراهم می کند تا کودکان به هویت انسانی آن ها توجه کنند و آن را در نسبت با هویت های ملی و قومی پررنگ تر ببینند و در نهایت هویت های اجتماعی-اعتباری را دست مایه تسلط یا برتری و کهنتری قرار ندهند.

بحث و نتیجه گیری

در این مقاله سعی کردیم با توجه به پژوهشی که جهت ارزیابی معیارهای استخراج شده از اسناد رده بندی بین المللی و اسناد داخلی ناظر بر محتوای انیمیشن انجام داده ایم، و با تکیه به مبانی و اصول رویکرد انسان عامل، ملاحظات تربیتی ویژه انیمیشن کودک را تدوین کنیم. بنابراین در این نوشتار ابتدا ماهیت رسانه و به طور اخص رسانه کودک را بررسی کردیم. سپس نگاه رویکرد انسان عامل را به عنوان نظریه مختار این پژوهش به مقوله کودکی بیان کردیم. در نهایت نیز با الهام گرفتن از ارزیابی های اسناد داخلی و خارجی و ملاک های تربیت در دوران کودکی رویکرد انسان عامل، ملاحظات تربیتی ناظر به انیمیشن را طبقه بندی کردیم. ملاحظات تربیتی ناظر بر انیمیشن کودک، در جدول زیر به طور خلاصه بدین شرح است:

جدول ۱. ملاحظات تربیتی ناظر بر انیمیشن کودک

ردیف	ملاحظات برآمده از رویکرد اسلامی عمل	ملاحظات متناظر برای انیمیشن در دوران کودکی
۱	ملاحظات ناظر بر سلامت جسم و روان کودک	رعایت ملاحظات شنیداری در ساختار صوتی انیمیشن رعایت ملاحظات دیداری کودک در ساختار بصری-تدوینی رعایت ملاحظات حسی-حرکتی کودک در زمان انیمیشن پرهیز از نهادینه سازی احساسات منفی در ساختارهای صوتی، تصویری، روایی، تدوین پرهیز از مضامین و موارد ضد تربیت چون خشونت و روابط جنسی مواجهه های گام به گام و تعویقی با واقعیت های حساسیت برانگیز در جلوه های روایی-بصری انیمیشن

ردیف	ملاحظات برآمده از رویکرد اسلامی عمل	ملاحظات متناظر برای انیمیشن در دوران کودکی
۲	ملاحظات آشناسازی کودک با ارزش‌های اخلاقی-دینی	در نظر گرفتن ضمنی ارزش‌های اخلاقی-دینی پرداخت تبیینی به ارزش‌های اخلاقی-دینی توجه به وضوح و تجسم ارزشی در انیمیشن طرح ارزش‌ها در فضا سازی‌های زندگی واقعی در انیمیشن پرهیز از حضور تجسم‌های ضد ارزشی در جلوه‌های مختلف روایی و بصری انیمیشن
۳	ملاحظات مربوط به تقویت اندیشه‌ورزی کودکان	تبعیت ساختار روایی انیمیشن از ساختارهای علی و خطی روایت توجه به لایه‌مندی حوادث و موقعیت‌ها در ساختار روایی و ساختار بصری-تدوینی انیمیشن وجود موقعیت‌هایی برای حرکت میان شخصیت‌های روایت انیمیشن خلق موقعیت‌های خیالی متمایز از واقعیت یا مرتبط با آن در انیمیشن ایجاد موقعیت‌های مکث در انیمیشن برای حضور خودآگاهی کودک
۴	ملاحظات مربوط به انتخاب‌گری و نهادینه‌گی مسئولیت در کودک	برجسته‌سازی موقعیت‌های انتخاب و تصمیم در انیمیشن پرداخت فرایندی به زندگی و عملکرد شخصیت‌های اصلی انیمیشن تلاش در جهت نمایش فرایند تحول هویت در شخصیت‌های اصلی
۵	ملاحظات مربوط به پویایی عقلانی هویت	انیمیشن تلاش در جهت تنوع هویتی فارغ از برتری در شخصیت‌های انیمیشن

این ملاحظات، به صورت ملاحظه کلی مطرح شده و تبدیل آنها به شاخص‌های ارزیابی می‌تواند در پژوهش‌های آتی در نظر قرار گیرد تا در رتبه‌بندی و ارزیابی انیمیشن‌های مخصوص کودکان بکار رود. بدون ایم ملاحظات برآمده از رویکردی نظری، ارزیابی‌های صورت گرفته در معرض تناقض و سلیقه‌ای شدن هستند.

منابع

۱. آزادمنش، سعید (۱۳۹۳)، تبیین ماهیت دوران کودکی از منظر رویکرد اسلامی عمل و اهداف تربیت اخلاقی کودک بر اساس آن، (پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت)، دانشگاه تهران، تهران.
۲. آزادمنش، سعید؛ سجادیه، نرگس؛ باقری، خسرو (الف ۱۳۹۵)، «تبیین ماهیت دوران کودکی در هندسه نظریه اسلامی عمل»، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۶ (۱)، ۱۰۳-۸۳.
۳. آزادمنش، سعید؛ سجادیه، نرگس؛ باقری، خسرو (ب ۱۳۹۵)، «تبیین اهداف و ملاحظات «تربیت» اخلاقی کودک با نظر به مفهوم عاملیت انسان در اندیشه اسلامی»، فصلنامه تربیت اسلامی، ۱۱ (۲۳)، ص ۱۵۱-۱۷۳.
۴. باقری، خسرو (۱۳۸۷)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. باقری، خسرو (۱۳۸۲)، هویت علم دینی؛ نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات.
۶. باقری، خسرو (۱۳۸۹)، الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مدرسه.
۷. باقری، خسرو (۱۳۹۰)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: انتشارات مدرسه.
۸. باقری، خسرو (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲، تهران: انتشارات مدرسه.
۹. باقری، خسرو (۱۳۹۱)، تعلیم و تربیت اسلامی؛ چارچوب تئوریک و کاربرد آن، تهران: هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره.
۱۰. باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس؛ توسلی، طیبه (۱۳۸۹)، رویکردها و روش‌های پژوهش در تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۱. باهنر، ناصر (۱۳۹۰)، دین، رسانه، کودک، تهران: اتجادیه رادیو تلویزیون‌های اسلامی.
۱۲. باهنر، ناصر؛ بلندیان، هدی (۱۳۹۲)، «الگوی مطلوب برنامه‌های دینی کودکان (۷ تا ۱۲ سال) در تلویزیون بر اساس آرای کارشناسان و خبرگان»، مجله علوم خبری، شماره ۷، ص ۱۳۷-۱۰۹.
۱۳. توکلی، معصومه (۱۳۹۲)، تحلیل مفهوم خیال و حدود آن در قرآن کریم بر اساس نظریه اسلامی عمل و بررسی بایسته‌ها و نبایسته‌های آن در تربیت (پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش)، دانشگاه تهران، تهران.

۱۴. درخشانی، شیوا و همکاران (۱۳۸۸)، راهنما و آیین برنامه‌سازی برای خردسال، کودک و نوجوان، تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز طرح و برنامه.
۱۵. سجادیه، نرگس (۱۳۹۷)، اهداف و اصول تربیت در دوران تمهید، پژوهش منتشر نشده برای مجموعه آموزشی میزان.
۱۶. سجادیه، نرگس (۱۳۹۴)، «نقد و بررسی رویکرد سواد اخلاقی از منظر عاملیت انسانی»، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، دوره ۵، شماره ۲؛ ص ۸۸-۱۰۹.
۱۷. سجادیه، نرگس و آزادمنش، سعید (۱۳۹۲)، «نقد و بررسی اهداف تقضیلی فعالیت‌های دوره پیش‌دبستانی» در برنامه‌درسی ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر رویکرد اسلامی عمل، دوفصل‌نامه نظریه و عمل در برنامه‌درسی، سال اول، شماره ۲، ص ۶۵-۹۸.
۱۸. سجادیه، نرگس (۱۳۹۳). تحلیل تطبیقی اسناد رسمی نگاشته شده در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال چهارم، شماره ۱.
۱۹. سجادیه، نرگس؛ آزادمنش، سعید (۱۳۹۵)، «زیرساخت‌های مفهومی کودکی در تطور تاریخ: به سوی مفهوم‌پردازی اسلامی از کودک»، دوفصل‌نامه فلسفه تربیت، سال اول، شماره ۱، ص ۱۱۵-۱۴۰.
۲۰. سجادیه، نرگس؛ مدنی‌فر، محمدرضا؛ باقری، خسرو (۱۳۹۴)، «اهداف واسطی تربیت در دوران کودکی بر اساس رویکرد اسلامی عمل»، تربیت اسلامی، ۲ (۲۱)، ص ۲۹-۵۵.
۲۱. سجادیه، نرگس و صادقی، زهره (۱۴۰۰)، «جایگاه ادبیات کودکان در جغرافیای تربیت: از چالش‌های پیش پا تا افق‌های پیش رو»، فلسفه تربیت، ۹ (۲)، ص ۸۱-۱۰۷.
۲۲. فرنیس، مورین (۱۳۸۳)، *زبانی‌شناسی اسلامی*، مترجم: اردشیر کشاورزی (۱۳۸۳)، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
۲۳. گله‌باس، فرانسیس (۲۰۰۹)، کارگردانی داستان: داستان‌گویی حرفه‌ای و تکنیک‌های طراحی استوری‌برد در فیلم زنده و انیمیشن، مترجم: داریوش نوروزی و شیوا زنگنه (۱۳۹۴)، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
۲۴. محمدی، مریم. (۱۳۹۶)، انگاره‌ای از تربیت اجتماعی در دوران کودکی (۱۱ تا ۷ سال) از منظر نظریه اسلامی عمل و کاربردپذیری آن در عرصه عمل تربیتی، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت)، دانشگاه تهران، تهران.
۲۵. منصوری، یوسف (۱۳۹۴)، تحلیل محتوای پرمخاطب‌ترین فیلم‌های ژانر سینمای کودک از منظر رویکرد تربیت اخلاقی فضیلت‌گرا در بازه زمانی بعد از انقلاب اسلامی ایران، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت)، دانشگاه تهران، تهران.

۲۶. منظومه «صیروت» (۱۳۹۴)، سند راهبردی برای برنامه‌های صدا و سیما، تهران: سازمان اوج.
۲۷. نادری، زینب (۱۳۹۶)، بررسی و نقد رویکردهای فلسفی-تربیتی حاکم بر انیمیشن‌های کودکان از منظر فلسفه تربیت اسلامی (رساله دکتری فلسفه تعلیم و تربیت)، دانشگاه شهیدباهنر، کرمان.
28. Ainsworth, Shaaron (2008). How do animations influence learning? In D. Robinson & G. Schraw (Eds.), *Current perspectives on cognition, learning, and instruction: Recent innovations in educational technology that facilitate student learning*. pp 37-67.
29. Kehr, D. (2023). Animation. *Encyclopedia Britannica*.
<https://www.britannica.com/art/animation>. Accessed 4 March 2023.
30. Holmes, J. (2006). *John Bowlby and attachment theory*. Routledge: London and New York.
31. Ghahreman, M.; Sedaei, M & Fattahi, J. (2006). *Comprehensive dictionary of audiology*. Tehran: Danesh Faryar Publication.
32. Rorty, Richard (1989). Education without dogmas: Truth, freedom, and our universities, *Dissent* 36, 198-204.